

[اطلاعات شخصی افراد حذف شده است]

[برای وضوح بیشتر فقط مطالب و اخبار مربوط به افراد و جامعه بهائی تایپ شده است]

[برگرفته از سایت: [بهائیان در آئینه مطبوعات](#)]

[تاریخ: ۳۰ مهر ۱۳۸۹ - ۲۲ اکتبر ۲۰۱۰]

روزشمار واقعه تخریب منازل بهائیان در روستای ایول

تابستان ۱۳۸۹

هفته ی آخر خرداد ماه ۱۳۸۹ تخلیه ی منازل ی از بهائیان ایول که انبار مسلمین بود و آماده نمودن آن برای تخریب، که این موضوع توسط بعضی از محلی ها تلفنی به صاحبان منازل اطلاع داده شد.

در آخرین روزهای بهار جلسه ای محرمانه در کیاسر برای اجرای طرح تخریب منازل بهائی در ایول دائر شد که در آن نمایندگانی از بخشداری و استانداری و دادسرا و تعدادی از محلی از جمله سردار رحیم لیالی (سپاه قدس طهران) و هم قطارش سردار عباسی چوپینی حضور داشتند.

۱ تیر ۱۳۸۹

وقت اداری مراجعه ی نمایندگانی از بهائیان ایول به بخشداری کیاسر و بیان موضوع که مورد انکار واقع شد و چنین اقدامی را غیر قانونی و غیر شرعی دانسته و غیر ممکن شمردند و اجرای آن را منوط و مشروط به اجازه ی بخشداری دانستند و با همه این شرح وتفصیل مطلب مزبور به جهت اطلاع و پیگیری کتباً تنظیم و به نهاد مزبور داده شد. (بخشدار در اداره نبود با معاون وی آقای احمدی ملاقات صورت گرفت.)

۱ تیر ۱۳۸۹

موقع عصر سه دستگاه لودر یا بلدوزر توسط تریلی یدکش در مرگولنگه (اول عبور فرعی ایول) پیاده شد. و تعدادی کامیون و لودر از روستاهای اطراف در محل حاضر گردید.

۱ تیر ۱۳۸۹

غروب آفتاب کار تخریب به فرمان سردار رحیم لیالی با رمز یا صاحب الزمان ادرکنی شروع گردید و دستگاه های سنگین آهنی به جان منازل خشت و گلی احیا افتادند. و قرار بود که تا صبح یعنی به فاصله ی ۱۲ ساعت عملیات تخریب اتمام پذیرد، ولی مجاورت منازل بهائیان با منازل مسلمین و تکیه محل، اتمام تخریب کامل ۱۲ ساعته را به ۸ روز درازا کشانید، زیرا ناچار شدند که منازل مزبور را با دست به وسیله ی بیل و کلنگ خراب نمایند. و تمام این مدت تخریب عبور فرعی ایول را بسته و محل را قرنطینه نمودند.

۲ تیر ۱۳۸۹

رجوع یک گروه ی ۱۸ نفره از صاحبان منازل به بخشداری کیاسر و طرح دعوی راجع به تخریب و شنیدن مطالب گذشته و ارائه ی شکایت به نهاد مزبور با امضاء همگی حاضرین. (بخشدار در اداره نبود. سیلی شب قبل در منطقه آمده بود، بخشدار برای سرکشی رفته بود مأموریت. مجدد با آقای احمدی ملاقات صورت گرفت.)

۲ تیر ۱۳۸۹

حضور ۴ نفر از نمایندگان ایولی در فرمانداری ساری و ملاقات فرماندار و توضیح راجع به واقعه تخریب منازل بهائیان در ایول. فرماندار شبیه مطالب بخشداری کیاسر مطرح و این عمل را غیر قانونی و غیر شرعی دانست. نامه ی کتبی هم ارائه شد.

۲ تیر ۱۳۸۹

همان گروه و ملاقات با معاون استانداری در استانداری ساری و مشابه مطالب بالا.

۲ تیر ۱۳۸۹

ضرب و شتم محمود پیری در ایول: وی به همراه خواهرش هدیه و برادر و خانمش علی و فاطمه بدون اطلاع از جریان تخریب وارد ایول شدند و نرسیده به درب منزل توسط مومن و جواد ممانعت به ورود حیاط خود شدند و چون علت را پرسیدند جواب شنیدند که محل قرنطینه است و کسی حق ورود ندارد و باید فوری خارج شوند و آنان برای دورزدن ماشین کمی جلوتر رفتند و در این حین دیدند که تعدادی افراد بالای ساختمان مشغول کندن حلب سقف و چوب هستند و در همین زمان جواد صدا می زند حاجی بیا پائین ارازل و اوباش وارد محل شدند و مومن هم محمود را مورد ضرب و شتم قرار داده و آنان را از محل بیرون می کنند و بلافاصله بعد این قضیه عبور محل را بسته و شبانه روز کشیک می کشیدند که کسی وارد محل نشود.

نامبردگان بلافاصله به دادرسی کیاسر رفته و طرح شکایت و دعوی از این حادثه می نمایند و این که به چشم خود دیدند که افرادی مشغول تخریب منزلشان هستند. آقای قاضی ناصری در پشت همان برکه خطاب به ریاست پاسگاه تلمدره آقای فلاح می نویسد، که موضوع را بررسی و گزارش به دادگاه نماید و نامه را افراد مزبور تحویل پاسگاه می نمایند، ولی مأمورین پاسگاه تحقیق را در آن زمان انجام ندادند و موکول به وقت دیگر نمودند.

۲ تیر ۱۳۸۹

ایجاد مزاحمت برای خانواده ی فرامرز روحانی: فرامرز روحانی به همراه همسرش فریده و سید محمد درخشان و خانم فخریه عالیشاهی در حین عبور خارج روستای ایول توسط ماشینی سواری که گشت محلی بود و مراقب بودند کسی وارد روستا نشود، متوقف می شود مومن و جواد از آنان کارت شناسائی درخواست نموده و به آنان اخطار می نمایند که وارد محل نشوند و زود آن مکان را ترک گویند. چون علت را می پرسند می گویند که ایول قرنطینه است.

این افراد هم مانند اقدام فوق به دادرسی و پاسگاه مراجعه می نمایند و تشکیل پرونده می شود.

۳ تیر ۱۳۸۹

جمعی هفت نفره از بهائیان ایول به همراه نامه ای که شرح ماوقع تخریب منازل بهائیان بوده را برای بار سوم به بخشداری کیاسر می برند. این بار بخشدار در اداره ی مزبور حضور دارد و دو نفر با نامه به نزدش می روند و وی وقتی نامه را خواند معترض این می شود که نامه ی اولی به بخشداری چون این نهاد را متهم در تخریب دانسته لذا پیگرد قانونی و قضائی دارد در حالی که متن نامه حکایت از این داشته که طبق گفته ی محلی ها این اقدام از قبل با بخشداری هماهنگی شده است و مطلبی که خود بخشدار در ملاقات سال قبل به آن اشاره داشت که ایولی های مسلمان مکرر می آیند و پیگیر تخریب منازل بهائیان هستند. و مرتب این موضوع را مطرح و نویسنده نامه را تهدید به مراجع قضائی و اقدام علیه نظام و از این مطالب می گفت که به او گفته شد که آنچه شما به آن اشاره دارید مهم است نه همین لحظه افرادی که در ایول مشغول تخریب منازل هستند و البته اقدام آنان اهمیتی ندارد و چون این گفته شد عصبانی شد و خواست که گوینده طرف خود را بیرون کند و در نهایت گفت که شکایت شما به بخشداری مربوط نمی شود و من گزارش خود را به همراه پیگیری قضائی اتهام مزبور تحویل دادگاه خواهم داد.

۳ تیر ۱۳۸۹

هفت نفر مزبور بعد از بخشداری به دادرسی نزد قاضی ناصری رفتند. و مجدد شکایتی دیگر تنظیم و تحویل وی دادند و ابرام و اصرار نمودند که جلوی تخریب را بگیرد وی گفت که هنوز به دادگاه گزارشی از این اقدام نشده است و لذا کاری نمی تواند بکند و مثال زد که وقتی قتل اتفاق افتاد و دادگاه متوجه شد که کسی کشته شد آنوقت می رود

دنبال قاتل و امور مربوط به آن و از نظر قاضی باید تخریب کامل می شد و بعد سر فرصت مامور برود ببیند که چه واقع شده است و اقدام قبل از وقوع جرم ابدأ اهمیت نداشت و بعد آن افزود که دادسری در جریان این موضوع نیست و ممکن است حکمی از مراجع بالا باشد وقتی حکمی را رهبر یا رئیس جمهور بدهد دیگر کسی نمی تواند کاری انجام دهد و به این وسیله توجیه نمود که عاملین از مرجع بالا حکم تخریب دارند. قاضی نامه را پاراف نمود و داد که به پاسگاه تلمادره برای پیگیری داده شود.

۳ تیر ۱۳۸۹

هفت نفر مزبور بعد از دادسری به پاسگاه تلمادره رفتند و طبق معمول رئیس نبود و نامه ی قاضی تحویل معاون پاسگاه شد. وی از هفت نفر یکی یکی بازجویی به عمل آورد و پرونده ای تنظیم نمود و هر چه خواهش شد که مأموری به ایول برود و ببیند که محلی ها چه می کنند به بهانه ی نداشتن نیرو موافقت ننمود و گفت که باید صبر کنید تا مامور بیاید. افراد مزبور را تا حدود آخر وقت اداری نگه داشت آخر هم کاری صورت نگرفت.

۳ تیر ۱۳۸۹

چهار نفر دیگر از بهائیان ایول برای پیگیری و تعقیب پرونده ی تخریب به فرمانداری و استانداری شهر ساری رفتند ولی آنان را اجازه ی ملاقات با استاندار و فرماندار ندادند به مسئولین ذی ربط مطالب شان را بازگو و نامه ای تسلیم دو نهاد مزبور نمودند.

۳ تیر ۱۳۸۹

در بازجویی متهم بهائی در اداره ی اطلاعات، بازجو طرح تخریب منازل بهائیان ایول را مردمی یاد نمود و معلوم گردید که اداره ی مزبور کاملاً در جریان این واقعه بوده است.

۴ تیر ۱۳۸۹

اکبر موفقی که برای پیگیری جمع آوری محصول کشاورزی به نزدیکی ایول رفته بود توسط سرنشینان پراید مشکی مورد تعقیب قرار گرفت و در خارج از محل در حدود دو کیلومتری آن متوقف شد و توسط صفر علی اسماعیلی مورد ضرب و شتم قرار گرفت نامبرده بعد آن به طرف صندوق عقب ماشین خود رفته و داس را برداشت که حمله نماید اکبر که پسرش هم همراه وی بود از محل گریختند ولی درحین گریز و فرار ضربه ای به ماشین وی زدند که آثارش باقی ماند. در این حادثه چشم اکبر هم آسیب دید. سید جواد درخشان هم حضور داشت و عکس العملی نسبت به این حادثه نداشت. اکبر به خاطر فامیلیت با جواد و صفر علی شکایت ننمود. البته چند روز بعد سید جواد حضوری و برادر صفر علی تلفنی از وی عذر خواهی نمودند.

۵ تیر ۱۳۸۹

سه نفر از دوستان ایول با وکیل باتجربه در مرکز ملاقات نمودند و راهنمایی گرفتند که روند پیگیری قانونی را بتوانند به سهولت انجام دهند و برای این کار قرار گذاشته شد که دو نفر وکیل را دوستان ایول وکالت دهند تا پیگیر پرونده ی ایول شوند. ظرف چند روز بعد احبای ایول به دو نفر وکیل مراجعه و به تنظیم وکالت نامه پرداختند. و آنان رسماً کار خود را شروع نمودند.

۷ تیر ۱۳۸۹

تنظیم شکایت یکی از کشاورزان بهائی ایول و ارسال آن به ده ارگان دولتی در طهران توسط پست پیشتاز، و دو روز بعد همان نامه به سه ارگان مرکز استان نیز ارسال شد و حتی یک مورد جواب دریافت نگردید و همچنان سکوت مسئولین ادامه دارد.

۸ تیر ۱۳۸۹

محصول کشاورزی توسط احبای ایول جمع آوری شد.

۸ تیر ۱۳۸۹

چون سکوت مسئولین همچنان ادامه یافت اولین مصاحبه با رسانه های خارج از ایران انجام شد و به دنبال آن تعداد دیگری از افراد مصاحبه نمودند. و قضیه این حادثه که از همان روزهای اول در سایت ها اعلام شده بود بعد وسیع جهانی پیدا کرد ولی همچنان اولیای امور ساکت ماندند.

۸ تیر ۱۳۸۹

پایان کار تخریب و رفتن مامور پاسگاه تلمادره به دستور قاضی دادگاه کیاسر به ایول جهت تحقیق و تنظیم پرونده. روز بعد این پرونده نزد قاضی جهت اظهار نظر ارسال شد.

۱۲ تیر ۱۳۸۹

ملاقات با راننده ی لودر در شهرستان نکا که هم در تخریب منازل دخالت داشت و هم شاهد عینی صحنه های تخریب بود. وی تعدادی از همکارانش را که در این واقعه شرکت داشتند معرفی نمود. روز بعد ملاقات با شاهد عینی دیگر که محلی بود و روایت تخریب داشت و افرادی که در این جریان دخالت داشتند را معرفی نمود. همچنین چند نفر از احبای ایول با فرد جویباری کهنه خرین که ماشین مزدا ۱۶۰۰ داشته و مقداری از حلب و چوب را به او فروخته بودند را پیگیری نمودند.

۱۳ تیر ۱۳۸۹

از اداره ی اطلاعات قائم شهر تلفنی با یکی از افراد مضروب بهائی ایولی کسب اطلاع از موقوف جریان ایول را نمودند و مخاطبشان کامل توضیح داد که چه گذشته است.

۱۳ تیر ۱۳۸۹

تشکیل اولین مرحله از دادگاه در کیاسر: به تاریخ ۸ تیر برگه ی احضاریه به دادگاه به شماره ی ۶۳۵۱ / ۳۰۴ / ۸۹ / ۳۵ / را فرامرز روحانی و شماره ی بعدی آن را محمود پیری دریافت نمودند که به اتفاق همراهانی که در تاریخ ۲ تیر از طرف صفر علی اسماعیلی و سید جواد درخشان مورد ضرب و شتم و توهین واقع شدند راس ساعت ۵ / ۹ صبح روز یکشنبه ۱۳ تیر در دادگاه کیاسر حضور یابند. افراد مزبور به اتفاق چند نفر همراه عازم دادگاه شدند. شب قبل که پیامی راجع به ایول وصول شده بود قبل به دادگاه در کیاسر خوانده و انرژی گرفته شد و بعد افراد مزبور وارد محوطه ی دادگاه شدند در حیاط دادگاه به غیر از صفر علی و جواد تعدادی تجمع کرده و به محض ورود شاکیان بهائی شروع به شعار دادن نمودند: مرگ بر بهائی، جاسوس اسرائیلی؛ مرگ بر اسرائیل و... در همین حین سربازی جلو آمد و خطاب به آنان که چه خبر است و آنان را ساکت نمود. قاضی جدا یکی یکی افراد بهائی را خواست و جریان واقعه را از آنان شنید و سپس صفر علی و جواد را هم خواسته و آنان انکار نمودند که بی خبر از قضیه هستند. به غیر از دو نفر مسلمان ایولی، افراد دیگر حاضر در محوطه ی دادگاه عبارت بودند از: فیض الله برادر صفر علی، فتحعلی درخشان، قاسم نوریان و برادرش شیر علی، محمد حسین فلاچپور و برادرش محمد علی و برادر دیگرش نادعلی، محمدحسن فلاچپور، نقی ملانی، حسین رجبی (عضو شورای اسلامی محل)، رستم اولی، علی لیالی، ایلیاس لیالی، خسرو مجیدی و حسین قلی غفاری.

۱۵ تیر ۱۳۸۹

سفر سه نفر از دوستان بهائی ایولی به روستای ترکام (از روستاهای مجاور ایول) و ملاقات با برادران عمادی (پسر خاله های رحیم لیالی) و دو برادر یزدانی و فردی بنام ابراهیمی که متفقاً حادثه ی تخریب منازل بهائیان ایول را اقدامی غیر انسانی دانسته و چنانچه لازم بوده که این کار انجام شود بایستی قانونی انجام می شد نه اقدام افرادی که از نظر آنان بی فرهنگ و بی سواد قلمداد شدند. در ضمن اینکه برادران عمادی مطرح نمودند که رحیم قبل اقدام به تخریب با آنان مشورت داشته و خواسته که به او در این مورد کمک نمایند ولی قبول نکردند. و خواهر زاده شان که بوسیله رحیم تطمیع شده و با لودر در خدمت وی بود بوسیله ی آنان مورد سرزنش و آقع شد و نقل می کردند که خواهر زاده شان روزانه حدود ۱۵۰ هزار تومان با دستگاه لودر کار می کند در این تخریب در یک شب به او ۴۰۰ هزار تومان پرداختند. دیگر اینکه برادران یزدانی توسط روحانی که در سال ۱۳۶۲ در ترکام حضور داشته و آنان را نهی از شرکت در تظاهرات ایول و اخراج بهائیان نموده بود افتخار می کردند که بحمدالله در واقعه ی آوارگی بهائیان ایول نقشی نداشتند و این در حالی بود که جوانان سنور (از روستاهای مجاور ایول) آمده بودند که به همراهی

آنان به ایول بروند و با ایولی های مسلمان و دیگر مردمان روستاهای مجاور در ثواب و عقاب اقدام مزبور شرکت کنند.

۱۵ تیر ۱۳۸۹

شکوائیه ای از تخریب منازل بهائیان ایول و مطالب پیرامون آن تهیه و به امضاء کلیه ی بهائیان ایول رسیده و به ۱۲ نهاد و ارگان دولتی طهران و استان پست پیشتاز شد و بعضی از بهائیان ایول نیز اقدام انفرادی در این مورد داشتند ولی حتی یک مورد جواب دریافت نشد.

۱۶ تیر ۱۳۸۹

اولین لایحه و شکوائیه توسط دو وکیل پرونده ی ایول تنظیم و به دادگاه کیاسر تحویل شد و یکی از وکلاء از تخریب منازل بهائیان ایول دیدن نمود.

۲۱ تیر ۱۳۸۹

در تلمادره علیرضا ملائی ایولی مطرح نمود که خانواده های ملائی در حادثه ی تخریب دخالتی نداشتند و احمدی سنوری راننده ی نیسان نقل نمود که ۱۰ روز قبل از شروع تخریب (۲۰ خرداد)، به اواز طرف شورای اسلامی ایول اطلاع دادند که منزل ضرغام موفقی را که برای انبار استفاده می کرد تخلیه نماید زیرا می خواهند تخریب کنند. وی در حالی که این کار را انجام داد تلفنی به فامیلش ضرغام هم اطلاع داده بود.

۲۴ تیر ۱۳۸۹

چند نفر به نمایندگی از طرف احبای ایول با نمایندگان مردم ساری در مجلس شورای اسلامی آقایان شجاعی و یوسف نژاد ملاقات حضوری نمودند و شرح مواقع را بیان داشتند و شکایت دسته جمعی احبا را نیز به این دو نفر داده و هر دو قول رسیدگی دادند. همچنین مدیر کل دادگستری استان نیز ملاقات حضوری شد و در جریان ما وقع ایول قرار گرفت. ۳ روز بعد حاج آقا نظری از علمای شهر ساری نیز ملاقات حضوری گردید و در جریان این قضیه نصیحت نمود که احبا به دامن اسلام بیایند و ایشان مساعدت خواهد نمود.

۲۷ تیر ۱۳۸۹

با دعوت دو وکیل به دادگاه کیاسر، نزد قاضی ناصری و ارائه ی لایحه ای دیگر به وی خواستار روند سریعتری از پرونده شدند. دو وکیل با دستور قاضی به پاسگاه تلمادره رفته و با مامور پاسگاه به ایول رفتند و صورت جلسه ای تنظیم و ضمیمه پرونده نمودند.

۲۹ تیر ۱۳۸۹

چند نفر از دوستان ایولی با چند نفر از دوستان حقوق دان ملاقات و راهنمایی در روند فعالیت شکایات فردی و جمعی شدند.

۳۰ تیر ۱۳۸۹

از طریق پیام دوست امور مربوط به ایول بازگو شد و حوادث و وقایع گذشته و حال آن مطرح گردید و نامه ی یک کشاورز بهائی به ارگان های دولتی نیز قرائت گردید. انجمنی از اماءالرحمن که چندی قبل فراهم شده بود از جانب خود نامه ای تنظیم و به نهادهای دولتی ارسال داشتند.

۴ مرداد ۱۳۸۹

به گفته ی محلی های مسلمان ایول، رحیم لیالی بروال نمیه ی شعبان دو سال قبل (۱۳۸۷) غلامحسین الهام را که در دولت نهم و سال مزبور سخنگوی دولت بود و اینک عضو شورای نگهبان است را به ایول دعوت نمود تا در جشن نیمه ی شعبان ایول شرکت داده و شاهکار تاریخی خویش و اعوان و انصارش را در ایول به وی نشان دهد.

۶ مرداد ۱۳۸۹

حاج آقا طبرسی امام جمعه ی ساری توسط چند نفر از احبای ایولی ملاقات شد و حضوراً موضوع ایول به ایشان منتقل شد.

۲۶ مرداد ۱۳۸۹

در ملاقات های اخیر مسئولین معلوم شد که امروز شورای تامین امنیت شهر موضوع خاص آن راجع به واقعه ی اخیر ایول می باشد. در این شورا عضوی از نهادهای سیاسی و قضائی و دینی حضور دارند.

۲۶ مرداد ۱۳۸۹

دو وکیل امروز هم به دادگاه دعوت شدند لایحه ای تنظیم شد که اگر پاسگاه نیروی انتظامی از عهده ی تحقیق و روشن شدن واقعه ی تخریب و شناسائی عاملین آن عاجز است پرونده به اطلاعات نیروی انتظامی منتقل شود تا با تسریع بیشتر کار پیش رود و پرونده تکمیل شود. سپس از دادگاه کیاسر طی نامه ای از جانب قاضی به پاسگاه رفته و به همراه مامور پاسگاه به ایول رفتند و صورت جلسه ای در آنجا تهیه گردید و ضمیمه ی پرونده شد.

۳۰ مرداد ۱۳۸۹

یکی از وکلا به پاسگاه تلمادره رفته و پرونده ی ایول را با مامور نزد قاضی در دادگاه کیاسر آورده تا به رویت قاضی برسد و همزمان صفرعلی و سید جواد هم به دادگاه احضار شده بودند و مثل قبل اظهار بی اطلاعی از تخریب نمودند و خود را مبری از این واقعه قلمداد نمودند. با اتمام کار دادگاه مامور را همراه پرونده به پاسگاه تحویل دادند.

۷ شهریور ۱۳۸۹

چند نفر از دوستان ایول به دو روستا از روستاهای مجاور ایول، اروست و قلعه سر، سفر نمودند و متنی که با راهنمایی وکیل تهیه شده بود از این که معتمدین و مطلعین روستاهای مجاور ایول اظهار نظر نمایند که بهائیان در گذشته ساکن ایول بوده اند یا خیر؟ و چه اطلاعاتی در مورد سکونت و تخریب منازلشان دارند. چون یکی از مواردی که مسلمین ایولی مطرح می نمایند این است که بهائیان از ایول رفته و کسی از آنان در ایول خانه و منزلی نداشته است. به هر حال ضمن این که چند نفری امضاء نموده و تائید مطلب داشتند اظهار نمودند که دادگاه آنان را احضار نماید تا جریان ما وقع را به سمع قاضی برسانند. و همگی این اقدام مسلمین ایول را نفی و طرد نموده و عاملین آن را لعنت و نفرین نمودند. نظیر همین اقدام به روستای چالو در تاریخ ۱۵ شهریور انجام گرفت و دو برگه استشهادیه که به امضاء چندین نفر از روستاهای سنور و چالو و اروست و کلکنار و شبان خیل رسیده بود ضمیمه ی پرونده شد.

۳۱ شهریور ۱۳۸۹

پرونده توسط پاسگاه تلمادره به دادگاه کیاسر ارسال شد و وکیل نیز در دادگاه حضور یافت و لایحه ای دیگر در ادامه هر چه سریعتر پرونده به قاضی داده شد و قاضی به پاسگاه نوشت که مامور پاسگاه از روستاهای اطراف ایول تحقیق به عمل آورد. پیرو همین خواسته ی قاضی، مامور پاسگاه تلمادره به همراه وکیل به ۳ روستای عالی کلا و کی کلا و لنگر سفر نمودند و صورت جلسه ای راجع به سکونت و تخریب منازل از معتمدین محل تهیه گردید. همین اقدام مجدد در روز ۴ مهر توسط همان مامور از روستای سنور و ترکام صورت گرفت و همگی اذعان داشته اند که بهائیان از قدیم الایام در ایول زندگی می کردند و بعد از انقلاب آنان را بیرون کرده و اخیراً شنیدیم که منازلشان را تخریب نمودند.

۱۱ مهر ۱۳۸۹

مجدد دادگاه کیاسر توسط قاضی ناصری تشکیل شد وکیل پرونده ایول حضور یافت و صفرعلی اسماعیلی نیز حاضر گردید. در محوطه ی دادگاه دو نفر ایولی علی نوریان و خسرو مجیدی که از هم شکایت زمین داشتند نیز حاضر بودند. تاخیر حضور قاضی در دادگاه سبب شد که وکیل بتواند با افراد مزبور گفتگویی داشته باشد. وکیل ابتدا خسرو را کنار کشید و راجع به تخریب منازل بهائیان ایول سوال نمود وی گفت که اطلاعی ندارد ولی اذعان داشت که بهائیان ۳۰ سال قبل که در ایول بودند مصدر کارهای خیر و آبادانی محل بودند. سپس علی نوریان (فرق) را به حرف گرفت وی گفت که شبانه چندین دستگاه لودر و کامیون از طهران و ساری و سمنان به ایول آوردند و تا صبح تخریب کردند و رفتند و نه کسی را دیدیم و نه کسی را شناختیم ولی برای من هم سوال است که چرا از بخشداری و

فرمانداری و استانداری و پاسگاه کسی نیامد که ببینند که اینان چکار دارند می کنند و مطمئناً بدون هماهنگی این کار را نکردند. به اضافه ی این که خانه همه خشت و گلی بود و همه خراب بود و آنان آمدند صاف کردند و منزلی وجود نداشت. بعد صفر علی را به طریقی وارد بحث نمود وی که خیلی آتشش از آن دو تندتر بود گفت فقط رافت اسلامی است که نظام با این بهائی ها کاری ندارد و الا همه ی آنها را باید کشت اینها خدا ندارند من کتابهای آنها را خواندم پر از مطالب ضد قرآن و اسلام است اینها می گویند که خدایشان در عکا است اینها صهیونیسم هستند و جای تاسف که تو داری از آنان دفاع می کنی البته آنان را سر کیسه می کنی خوب است و چون وکیل استناد به قوانین اساسی نمود که همه ی ایرانیان بدون هیچ تبعیضی در ظل قانون اند و مال و جان آنان باید حفظ شود و از حقوق شهروندی برخوردارند ولی صفر علی می گفت که قانون چیه ببین ولی فقیه چه چیزی در مورد آنان می گوید تو بی جهت وقت خودت را داری می گیری اینها کارشان تمام است و بزودی همین ظرف یک ماه دیگر تمام زمین های آنان فروخته و تقسیم می شود اینها در خارج و داخل بر علیه نظام کار می کنند و فکر می کنند که با این کارها می توانند به نظام ضربه بزنند فکر تغییر نظام را باید از خود دور کنند و بعد باز شروع کرد به تهمت و افترا بستن به بهائیان ایول و کاملاً دیدگاه تاجر حجتیه را مطرح می کرد که قاضی آمد و وکیل و صفر علی نزد قاضی رفتند صفر علی دو نامه در دست داشت که به زعم او با آن کن فیکون خواهد کرد را به قاضی داد و وکیل هر دو نامه را از قاضی گرفته و کپی تهیه نمود نامه ای که امضاء صفر علی و سید جواد را دارد مطرح میکند که نامه ی دبیر شورای نگهبان راجع به زمین بهائیان ضمیمه است و دخالت شان در تخریب هم کذب است. نامه ی این دو نفر تاریخ ۱۰ مهر را دارد در حالی که نامه ی ۱۰ تن از مسلمین ایول خطاب به آقای جنتی دبیر شورای نگهبان، تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۸۹ را، و در این نامه اشاره شده که وضعیت ۳۰ هکتار زمین بهائیان ایول که سران آنان به آمریکا و انگلیس و اسرائیل رفته و بقیه هم مهاجرت نموده اند را معلوم نماید و با پارافی که توسط وی شده موضوع را ارجاع به تصمیم ستاد اجرائی فرمان امام داده و تاریخ ۲۵ شهریور ۱۳۸۹ را دارد.

در حال حاضر این پرونده از پاسگاه نیروی انتظامی خارج و به دستور قاضی برای پیگیری بیشتر و مشخص شدن عاملین واقعه به نهاد اطلاعات نیروی انتظامی واگذار شده است.

۱۵ مهر ۱۳۸۹ ایول

[متن بالا رونویسی از اصل سند است. اگر به نکته ای برخورد کردید که دقیق رونویسی نشده است لطفاً به نشانی ایمیل در صفحه تماس با ما بفرستید]